

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## سردرگمی در کابل و دستپاچی در واشنگتن

چانه زنی‌های طرف‌های دعوا و چگونگی مشوره‌ها

مداخلات خرابکاران منطوقی در امور داخلی کشور ما

ترفند سیاسی و موجودیت خلای حقوقی در کشور  
حاکمیت دوگانه و موضعگیری سیاسیون  
دوگانگی و چندگانگی به نفع کیست؟  
راه‌های حل و فصل مشکلات موجود

سیاستمداران گردآمده در دسته‌های انتخاباتی اشرف غنی و عبدالله با صدای بلند اما بگونه تکه‌های کوچک بر علیه همدیگر فریاد می‌زنند، در حالیکه بطور متناوب از دشمنان نام برده شده و بخاطر سیاست‌های بظاهر خصمانه و یا شکست خورده‌شان به باد تمسخر و استهزا گرفته می‌شوند. این سیاست سبب می‌گردد که مردم کشور برای مدتی فراموش نمایند که اعضای طرفدار دسته انتخاباتی رقیب یا سایر کشورها نیز مانند آنها انسان هستند و آنها را بمتابیه دشمنان خطرناکی می‌پندارند که بهر وسیله و بهر قیمت ممکن باید از بین برده شوند.

قبل از همه، تذکر این مسأله لازمی پنداشته می‌شود که در پس زمینه امضای توافقنامه و انجام معامله ایالات متحده و "طالب"ها، کشور عزیز ما با بحران بی سابقه سیاسی اما قابل پیشبینی مواجه گردید. پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری توسط کمیسیون مستقل انتخابات که مطابق آن محمد اشرف غنی بمتابیه برنده اعلام گردید، عبدالله بمتابیه رقیب انتخاباتی اشرف غنی و اکثریت سیاسیون شرکت کننده در انتخابات، از پذیرفتن نتایج اعلام شده توسط کمیسیون یادشده اباً و رزیدند. عبدالله در این کارزار، بگونه یکجانبه خودش را برنده انتخابات شمرده و بصورت مستقلانه به شکل گیری و ایجاد "دولت فراگیر" روی آورد. پس از آنکه دسته انتخاباتی "دولت ساز" در مورد برگزاری مراسم حلف و فاداری ریاست جمهوری توسط محمد اشرف غنی خبر داد، دسته انتخاباتی "ثبات و همگرایی" بر رهبری عبدالله نیز از آمادگی‌ها بمنظور اجرای مراسم تحلیف موازی با اشرف غنی اطلاع داد. پس از آن شاهد برداشتن گام‌هایی از جانب دسته انتخاباتی "ثبات و همگرایی" بودیم کانه آن حنا در تصور هم نمی‌گنجید. سلسله محلات کشور از تسلط ارگ خارج گردید. در برخی از ولایات‌های شمال کشور نیز والی‌هایی از جانب دسته انتخاباتی اخیرالذکر، معرفی گردید که خود منجر به صحت موضوع در مورد ظهور و پیدایش قدرت باصطلاح "موازی" در حاشیه گردید. طبق اظهارات طرفداران دسته انتخاباتی "ثبات و همگرایی"، آنها در مورد معرفی والی‌های موازی در سایر ولایات‌های کشور نیز با اقدامات عملی در زمینه متوسل خواهند گردید.

بحران سیاسی در کابل به فلج گردیدن ارگانهای دولتی منجر گردید. در واقعیت امر، مقامات بگونه کلی بدو دسته تقسیم گردیدند. مطابق آرزومندی و خواهش‌های پی اندرپی نماینده ویژه ایالات متحده در امور مصالحه کشور، بمنظور حل و فصل اختلافات بمیان آمده، با سیاسیون کشور از جمله با سیاف و سیداحمد گیلانی نیز در مورد گشودن گره موجود، به بحث و گفتگو متوسل گردید، اما علایم و آثار امیدواری به

دستیابی به حل و فصل مسأله اصلن بمشاهده نرسید.

نباید فراموش خاطرما گردد که ایجاد و برپایی سیستم دولتی "موازی" درکشور، برای نماینده ویژه ایالات متحده در امور کشورما، سبب ایجاد مشکل و معضله می گردید. نامبرده بیشتر از یک سال تمام، ملاقات ها و مذاکرات دشواری را با "طالب" ها بسرسانیده و مؤفق بامضای موافقتنامه ای با آنها گردید. آیا در مورد بهره برداری های واقعی پس از معامله یادشده و بکارگیری و انجام روش های دیپلوماتیک که بمنظور ختم جنگ ۴۰ ساله درکشور صورت گرفت، می توان خوشبین به آینده بود؟ قابل یادآوری پنداشته می شود که پس از عقد توافقنامه و حصول تعامل میان ایالات متحده و "طالب" ها، مهمترین مرحله پروسه صلح درکشور آغاز خواهد گردید که عبارت از گفتگوها و مذاکرات میان افغانی می باشد که قبل از همه، نتایج آن بر سرنوشت کشور عزیزما اثرگذار و مؤثر واقع خواهد گردید. اما انجام چنین گفتگوهایی، قبل از حل و فصل بحران سیاسی درکابل، اصلن امکان پذیر بنظر نمی رسد. منحصربفرد بودن بن بست سیاسی پیش آمده که بلافاصله پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال پاروجود آمد، این واقعیت را عملن باثبات رسانید که در نتیجه عملکردها و نحوه موضعگیری های ارگ ریاست جمهوری، تقریبین همه نیروهای سیاسی کشور، بنحوی از انحا از حریف انتخاباتی اشرف غنی حمایت بعمل آوردند.

در شرایط و وضعیت تکوین تحولات و تغییرات در حیات سیاسی کشور، انکشاف اوضاع بنحوه ای شکل پذیرفت که غنی را در دوراهی قرار داده بود، یا باید بعقب برگردیده، یعنی شکست در مورد را باید می پذیرفت و یا در مسیر یادشده، بیش از پیش به جنجال های موجود تداوم می بخشید که با انتخاب گزینه آخری، تا همین اکنون شاهد عواقب ناخواسته آن می باشیم.

چندی قبل، حامد کرزی رئیس جمهور قبلی کشور، بحران سیاسی بوجود آمده در حیات کنونی کشور را نتیجه عملکردهای ایالات متحده پنداشته، از تدوین سیاست های دونالد ترامپ در مورد کشورما بشدت انتقاد نموده و اضافه نمود که تداوم چنین سیاست هایی در مورد افغانستان، بحران سیاسی موجود حکو متی را که در نتیجه اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری اخیر کشور عرض اندام نموده است، بیش از پیش تعمیق نموده و تداوم چنین وضعیتی، به یقین که عواقب غیر قابل انتظاری را بدنبال خواهد داشت. نامبرده آمادگی های ایالات متحده بمنظور ارایه کمک سازنده به روند سیاسی داخلی درکشور را زیر سؤال برد.

یک روز قبل بر آن درکابل، مراسم دوگانه تحلیف ریاست جمهوری کشور اجرا گردید، یکی توسط اشرف غنی که از جانب کمیسیون انتخابات بمنابه برنده اعلام گردید و موازی با آن، عین مراسم توسط عبدالله از رقیب های عمده انتخاباتی اشرف غنی که نتیجه اعلام شده انتخابات و باز شماری آرا را نپذیرفته و خودش را بایجاد "دولت فراگیر و همه شمول" که بمنابه حاکمیت موازی درکشور تلقی می گردید، مکلف و مؤظف پنداشت.

سیاسیون کشور، همه بگونه یکصدا از معضلات موجود و تقلب های انتخاباتی یادآوری بعمل آورده و آنرا دلیل عمده تضادها و ضد و نقیض گویی ها میان هر دو کاندید عمده انتخابات ریاست جمهوری (غنی و عبدالله) بر شمرده و نگرانی شان را از چگونگی سیر حوادث پیش آمده اظهار نمودند.

ایالات متحده تلاش ورزید تا با انجام اقداماتی، نیروهای عمده موجود سیاسی درکشور را به جستجو و دستیابی براه حل منطقی و قابل قبولی در زمینه متقاعد سازد، اما به چنین مأمولی دست نیافته و بنظر رسید که همه تلاش های امریکاییان به نتیجه دلخواهی منتج نگردید. با وجود آنکه مسایل مورد نظر و گفتگوی نماینده ویژه ایالات متحده با عبدالله واضح و مبرهن نگردید، اما چنین تصور می گردد که در مورد رفع بحران موجود میان آنها بحث هایی صورت گرفت.

در اینجا پرسشی مطرح می گردد که چرا انتخابات درکشورما به بحران می انجامد؟

در مورد یادشده باید افزود که متأسفانه انتخابات اخیر ریاست جمهوری درکشور نیز ببحران های سیاسی همراه گردید. در امتداد دوده پستین طی سالهای ۱۳۸۳، ۱۳۸۸، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸، سه دوره انتخابات مجلس نمایندگان را پشت سر گذاشتیم. طی هریک از دوره های انتخاباتی، آنعه از کاندیدها که مؤفق به کسب آرای لازم نگردیدند، حاضر به پذیرش نتایج اعلام شده انتخابات نشده و کمیسیون های انتخاباتی

را به انجام تقلب و کلاهبرداری در نحوه شمارش آرا متهم نمودند.

بسیاری از تجربه و ظرفیت لازم بمنظور انجام بیطرفانه و بیغرضانه رویدادهای اینچنینی اصلن برخوردار دار نمی باشند. نحوه فعالیت و چگونگی عملکرد کمیسیون های انتخاباتی بگونه همیشگی تحت نظارت دولت و مقامات حکومتی میباشد که درگزینش و انتخاب اعضای کمیسیون های یادشده نیز دست بالایی دارند. بنابراین، مقامات رسمی دولتی بر اصل شفافیت و عادلانه بودن انتخابات، اهمیت آنچنانی قائل نمی باشند.

نباید فراموش نمود که درکشورما بحران های بوجود آمده درمورد انتخابات، متأسفانه بگونه مکرری کشوررا درآستانه دورجدیدی از زد و خوردهای مسلحانه قرار داده است که فاکتور ها و عوامل چندگانه ای درمورد دخیل می باشد.

بسیاری از کارشناسان و دست اندرکاران امور و مسایل مربوط به کشور عزیزما چنین می پندارند که ریشه های معضله و مشکل یادشده را در قانون اساسی سال ۱۳۸۳ کشور باید جستجو نمود. قانون یادشده، سبب تحکیم سیستم ریاست جمهوری درکشور شده و باعث تمرکز قدرت ریاست جمهور با اختیارات بیش از حد برایش شده و بگونه همزمان هم بمثابه رئیس دولت و هم بمثابه رئیس حکومت برسمیت شناخته شد. مطابق احکام قانون، تقریباً همه فیصله ها توسط شخص و فرد واحدی صورت گرفته و در زمینه تصمیمی اتخاذ میگردد که در چنین وضعیتی، مردم وباشنده های کشور نقش خویش را در تصمیمگیری ها یا اصلن ندیده و یا آنرا نهایت کمرنگ احساس می نمودند.

انتخابات درکشور عزیزما افغانستان بمفهوم یک گل، بمثابه رقابت در قالب "بُرد - باخت" محسوب می گردد. برنده انتخابات از مزایای گوناگون و همه جانبه ای برخوردار گردیده وبازنده انتخابات تقریباً همه موارد را از دست داده و نمی تواند در سلسله مراتب قدرت برایش جا خوش نماید. رهبران غیردولتی، امکانات شان را از دست داده و در انزوا قرار می گیرند. بر بنیاد دلایل گفته آمده، انتخابات را می توان بمثابه یک رویداد سرنوشت ساز در حیات سیاسی باشنده های سرزمین کشور محسوب نمود. کاندیدها پی که با عدم موفقیت مواجه می گردند، بنحوی از انحاء، خویش را رانده شده پنداشته و بمنظور باقی ماندن در قدرت، از بکارگیری هیچ وسیله ای روگردان نخواهند بود.

باید خاطر نشان نمود که علت عمده و قابل ذکر بحران های انتخاباتی درکشور، کمبود نبود سیستم حزبی انتخابات پنداشته شده که منجر به ظهور و پیدایش اختلافات سیاسی و انتخاباتی می گردد. سیاسیون کشور بگونه جداگانه و بمثابه بازیگران منفرد وارد صحنه سیاسی کشور می گردند. رهبران احزاب سنتی، تا کتیک ها و روش های گوناگونی را بکار بسته و از کارت های موجود بنفع مصالح شخصی و منافع خانوادگی سود می برند. قوانین و مقررات نیز بگونه منحصر بفردی اجراً گردیده و مورد تطبیق قرار می گیرد. در این میان، چنانچه واضح ومبرهن است، انتخابات و اصل دموکراسی بدون موجودیت سیستم حزبی مدرن، اصلن بی مفهوم تلقی می گردد. در شرایط و وضعیت کنونی، درکشور ما مطابق آمار ارا نه شده، در حدود ۱۰۰ حزب سیاسی عملن وجود داشته که اکثریت آنها در معادلات اجتماعی - سیاسی کشور از نقش و اثرگذاری قابل توجهی برخوردار نمی باشند.

یکی از جمله مشکلات قابل ذکر در انتخابات پسین درکشور، مؤلفه قومی آن محسوب می گردد. بر بنیاد فرآیندهای انتخاباتی، این منافع قومی، قبیله ای و گروهی است که در مرکز ثقل توجه قرار داشته و تعیین کننده نوع نگاه بامر انتخابات شمرده می شود. کاندیدها چگونگی تعلق و ارتباط شان را توجیه نموده وب استفاده از آن معاونان شانرا برمی گزینند. برنامه ها وشعارها با روحیه سمتی وقومی اشباع شده است. بدین ترتیب جای تعجب نمی باشد که نتایج انتخابات بنحوی از انحاء انعکاس دهنده تقسیم و تفکیک قومی و سمتی درکشور بشمار آید.

بارتباط مسایل وموضوعات گفته آمده، وابستگی رهبران با این یا آن گروه، اصل پوشیده نبوده بلکه واقعیتی است که در نوع خود نمایانگر تعمیق معضله قومی درکشور محسوب می گردد. انتخابات پسین ریاست جمهوری درکشور نیز از این امر مستثناً نبوده وامکان وجود شکاف هایی در امتداد خطوط قومی نیز در آن عملن موجود بود. کارمندان کمیسیون انتخابات با در نظر داشت نتایج بدست آمده از انتخابات

قبلی ریاست جمهوری در کشور، نقشه کشور را بدو بخش تقسیم نمودند، باین مفهوم که باشنده های منا طق جنوبی کشور به یک کاندید مورد نظر و اهالی صفحات شمال کشور نیز به کاندید واحد و مشخص دیگری رأی دادند که در نوع خود، نشاندهنده متنازع بودن عامل قومی - قبیله‌ای در انتخابات سال پار ریاست جمهوری کشور بود.

در ایام پسین، گزارش‌هایی از تداوم فعالیت‌ها و چگونگی عملکردهای تیم‌های انتخاباتی غنی و عبدالله بمنظور ختم بحران کنونی وحل و فصل اختلافات موجود میان آنها از طریق وسایل اطلاعات جمعی به نشر رسیده است.

قابل یادآوری پنداشته می‌شود که پس از اعلام نتایج بازشماری رأی انتخابات سال پار و برنده اعلام نمودن اشرف غنی، مخالفت‌ها و ضد و نقیض‌گویی‌هایی میان دسته‌های انتخاباتی یادشده آغاز گردیده که نه نماینده ویژه ایالات متحده در امور مصالحه در کشور ما و نه وزیر خارجه آن کشور، هیچکدام مؤفق به حل آن نشده و با برگزاری مراسم تحلیف جداگانه توسط عبدالله، بیش از هر زمان دیگر به مشکلات موجود افزوده شد. مداخله‌ها و دست‌رازی‌هایی تحت نام و پوشش بیطرفی در انتخابات کشور، نباید بی اهمیت و ساده تلقی گردد. یادآوری این مهم در خور توجه پنداشته می‌شود که نتایج انتخابات پسین ریاست جمهوری کشور، محصول موجودیت نیروها و قوت‌های بین‌المللی در اراضی کشور ما محسوب می‌گردد. دول و حکومت‌های غربی و بگونه مشخص آن ایالات متحده بمثابه مبتکرین عمده و متنازع انتخاباتی در کشور ما به حساب آمدند. ایالات متحده و هم‌پیمانان آن کشور، وسایل و ابزارهای گوناگونی را بمنظور سربراه نمودن و برگزاری انتخابات در کشور ما بکار گرفتند. امریکایی‌ها اعلام نمودند که نهاد‌های انتخاباتی در افغانستان را مورد حمایت قرار داده و بدون حمایت و پشتیبانی از کاندید مشخصی در امر یادشده سعی خواهند ورزید. اما واقعیت امر گواه ادعای متذکره در فوق نبوده، بلکه برخلاف، در جهت مخالف اظهارات خویش با اقدامات مورد نظرشان متوسل گردیدند. در طول مدت زمان چهار انتخاباتی ریاست جمهوری در کشور، آنها بگونه واضح و روشنی از کاندیدهای مورد نظرشان پشتیبانی بعمل آوردند. قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که در انتخابات‌های قبل در کشور، نقش کشور‌های خارجی در امور مربوط بانتخابات در مقایسه با نقش و تأثیرگذاری مردم و اهالی کشور ما، پررنگ و قابل تشخیص بوده است. پشتیبانی و حمایت خارجی تاکنون هم برای رهبران سیاسی کشور ما از اهمیت فوق‌العاده مهمی برخوردار می‌باشد. مبارزات انتخاباتی در کشور عزیز ما افغانستان، بویژه طی دوده پسین، بگونه تمام‌عیاری بایجاد تشنج سیاسی و وسعت بحران در کشور منجر گردیده، شکاف‌های قومی - ستمی و اختلافات میان شمال و جنوب را بیش از هر زمان دیگر تعمیق بخشید. انتخابات در کشور نه تنها سبب پایداری و تحکیم بیش از پیش سیستم اداری - سیاسی نگردید، بکه باعث افزایش نارضایتی عمومی و وسعت بحران در کشور نیز گردیده و هر چرخه انتخابات جدید، کشور را چندین سال بعقب برگردانید. با انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸، کشور بصورت کُل در پرتگاه جنگ تمام‌عیار قومی و سیاسی قرار گرفت. در جریان و تداوم پروسه انتخابات در کشور این واقعیت آشکار گردید که روند انتخابات با تمرکز مواضع با اهمیت در سلسله مراتب حکومتداری در دست یک اقلیت، بخودی خود در کنار زدن و به حاشیه راندن نمایندگان اکثریت از ساختار قدرت کمک می‌نماید. این امر را بمثابه یک واقعیت مسلم باید پذیرفت در شرایطی که بخش عظیمی از سیاستمداران و شرکت‌کنندگان پروسه انتخابات، نقش و اثربخشی خویش را در اداره امور کشور کمرنگ احساس می‌نمایند، حاکمیت سیاسی کشور بخودی خود به پارچه‌ها و گروهای جداگانه‌ای منقسم گردیده و بنیاد نظام کشور متزلزل و ناپایدار خواهد گردید. مشروعیت و بقای سیستم، مستقیم به میزان رضایت مردم کشور بستگی دارد. بمنظور فایق آمدن بر مشکلات، سال‌های متماد نیست که جامعه کشور ما با گزینه‌های مختلفی مواجه می‌باشد. آیا بمنظور راه‌های از وضعیت کنونی باید سیستم دولتی را بگونه غیرمتمرکز سرو سامان داد؟ سیر زمان و جریان وقایع نشان خواهد داد که کشور عزیز ما افغانستان چه مسیری را دنبال خواهد نمود.

یکشنبه ۱۷ ماه حمل سال ۱۳۹۹ خورشیدی